

**بررسی جامعه شناختی تفاوت‌های جنسیتی در ایران با توجه به شاخص‌های توسعه انسانی  
مورد مطالعه: کارکنان بانک مسکن در کشور**

فاطمه کوه کن<sup>۱</sup>، علیرضا محسنی تبریزی<sup>۲</sup>، میثم موسائی<sup>۳</sup>، سید رضا معینی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۰۸

### چکیده

امروزه آثار و پیامدهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهانی شدن بر زنان و مردان در کشور تاثیر گذار بوده است و در این میان ویژگی‌های کارکردی زنان ایران نشان می‌دهد که به دلیل محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه زنان و تفاوت‌های جنسیتی از بسیاری از آموزش‌ها و دست‌یابی به مشاغل و کیفیت زندگی بهتر محرومند. بر این اساس این تحقیق با هدف بررسی جامعه شناختی تفاوت‌های جنسیتی در ایران با توجه به شاخص‌های توسعه انسانی در بین کارکنان بانک مسکن انجام پذیرفته است. این تحقیق از نوع توصیفی-تبیینی بوده و به لحاظ مداخله داده‌ها از انواع تحقیقات کمی و به روش پیمایشی انجام شده است. اطلاعات موردنیاز با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و جامعه آماری آن کارکنان بانک مسکن در سراسر کشور بوده که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۷۲ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه بندی شده انتخاب گردیده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز با آماره‌های توصیفی و استنباطی انجام شده است. در نهایت بر اساس نتایج این تحقیق تفاوت معناداری بین کارکنان زن و مرد در شاخص کیفیت زندگی ( $t=3/498$  و  $sig = 0.000$ )، در شاخص‌های آموزش ( $t=4/717$  و  $sig = 0.001$ ) و شاخص سلامت ( $t=4/456$  و  $sig = 0.002$ ) به عنوان سه شاخص مهم در توسعه انسانی وجود دارد و مردان به لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی در وضعیت بهتری نسبت به زنان در بانک مسکن قرار دارند.

**واژگان کلیدی:** تفاوت‌های جنسیتی، سلامت، کیفیت زندگی، آموزش، توسعه انسانی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(Email: fatima\_k58@yahoo.com)

<sup>۲</sup> استاد تمام جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(Email: mohsenit@ut.ac.ir)

<sup>۳</sup> استاد تمام جامعه‌شناسی اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(Email: mousaaei@ut.ac.ir)

<sup>۴</sup> استادیار جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(Email: rezamoini-43@yahoo.com)

## مقدمه

به دلایل تاریخی و ساختاری، تقریباً در تمامی جوامع بشری نوعی روابط نابرابر و تبعیض آمیز از لحاظ جنسیت وجود دارد که بر اساس آن عمدتاً زنان، در مراتب و سطوح اجتماعی، اقتصادی و رفاهی پایین تری نسبت به مردان قرار داشته‌اند. نابرابری‌ها و تفاوت‌هایی که کاملاً غیر طبیعی به نظر می‌رسد و ناشی از الگوهای فرهنگی و ناهنجاری‌های اجتماعی بوده است. همچنین اندیشه تفاوت بین زن و مرد یکی از مسائلی است که همواره با بشر همراه بوده است، از این رو بررسی نقش جنسیت در قبول مسئولیت‌ها و ایفای نقش هر یک از جنسیت‌ها در جامعه همیشه یکی از مسائل بحث‌برانگیز در جامعه بوده است. جامعه‌شناسان تمایز مهمی میان «جنس<sup>۱</sup>» و «جنسیت<sup>۲</sup>» قایل‌اند. آنان اصطلاح «جنس» را بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد اطلاق می‌کنند، حال آنکه اصطلاح «جنسیت» را ناظر بر ویژگی‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی می‌دانند که جامعه آن را تعیین می‌کند و هویت زنانه یا مردانه افراد را در طول زندگی آنان شکل می‌دهد.

تبعیض به معنای تفرقه اندازی، تحقیر و عدم تساوی حقوق افراد و یا گروه‌های گوناگون به علل نژادی، مذهبی، سیاسی جنسیت و ... می‌باشد. و تفاوت جنسیتی نوعی تمایز جنسیتی در اجتماعی شدن است، به عبارت دیگر تفاوت جنسیتی نگرش‌های تمایز آمیز و نابرابر عوامل اجتماعی کننده در تربیت دختران و پسران است که در این میان این تمایز به نوعی به ضرر دختران و به نفع پسران بوده و نگاه تبعیضی به سوی دختران گرایش بیشتری داشته باشد (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲).

بر اساس تحقیقات انجام شده (رضایی، ۱۳۸۹) در کشور ایران در بسیاری از سطوح اجتماعی تفاوت جنسیتی با مکانیسم‌های مختلف (امید به زندگی، درآمد، آموزش و ...) در حد بالایی قرار دارد. تفاوت بین مردان و زنان یا «شاخص توسعه مرتبط باجنسیت» که اختصاراً با GDI نشان داده می‌شود، از مهم‌ترین تفاوت‌ها در درون ارزش کلی شاخص توسعه‌ی انسانی یک کشور است. این شاخص دارای سه بعد اساسی می‌باشد که عبارتند از: ۱- میزان مشارکت در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی. ۲- میزان مشارکت در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی. ۳- میزان قدرت بر منابع اقتصادی

همچنین در ایران امروز شاهد تغییرات زیادی در رفتارهای وابسته به جنسیت هستیم، به ویژه از دو دهه پیش تاکنون که جامعه، شاهد حضور فراگیر زنان در موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده است. حضور روزافزون زنان در دستگاه‌های اجرایی و بازار اشتغال و موفقیت چشمگیر آنان در آزمون دانشگاه‌ها، تصویری متفاوت از جامعه ایران به دست داده است و به نظر می‌رسد روند تحولات اجتماعی همچنان به سمت توسعه نقش زنان پیش می‌رود تمامی اندیشمندان توسعه بر این موضوع که مهم‌ترین پیش نیاز توسعه مشارکت همه انسان‌هاست، توافق نظر دارند. منظور از توسعه، تعالی انسان‌هاست و در تعالی انسان‌ها همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ملحوظ شده است. مطمئناً جامعه‌ای که می‌خواهد به توسعه دست یابد، به جای اینکه صرفاً به عوامل مادی متکی باشد باید در جهت تعالی انسان‌ها و کاهش نابرابری‌ها بکوشد، نابرابری‌هایی در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نابرابری‌هایی که معیار آن جنسیت انسان‌هاست.

بکستر<sup>۳</sup> و مان<sup>۴</sup> (۲۰۱۲)، با طرح بحث نادیده انگاشتن زنان<sup>۵</sup> در فرایند جهانی شدن، معتقدند که بخش بزرگی از نیروی کار زنان به عنوان نیروی غیررسمی در فرایند تولید به فراموشی سپرده می‌شود. همچنین، تضعیف تعادل جنسیتی<sup>۶</sup> با اختصاص بیشترین حجم حمایت‌های بهداشتی و آموزشی و خدمات ترویجی به مردان در مقایسه با زنان، در فرایند جهانی شدن شدت می‌یابد. آثار و پیامدهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهانی شدن بر زنان کشور ما نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. بر اساس تحقیقات

<sup>1</sup> Sex

<sup>2</sup> Gender

<sup>3</sup> Baxter

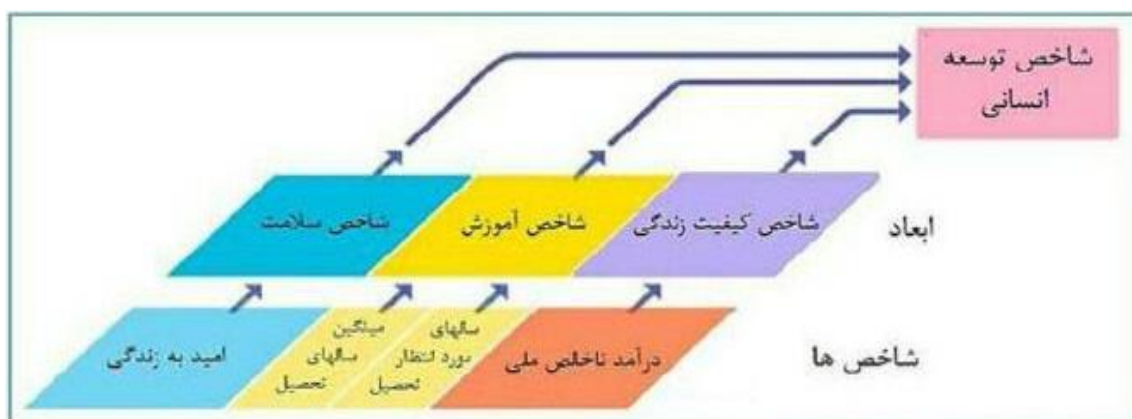
<sup>4</sup> Mann

<sup>5</sup> Invisibility of women

<sup>6</sup> Undermining gender equality

انجام شده (رضایی، ۱۳۸۹) در کشور ایران در بسیاری از سطوح اجتماعی تبعیض جنسیتی با مکانیسم‌های مختلف توسعه انسانی (امید به زندگی، درآمد، آموزش و ...) در حد بالایی قرار دارد.

ارزش شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد که هر کشوری چه مقدار از مسیر خود را برای رسیدن به بالاترین ارزش ممکن یعنی یک، طی کرده است و همچنین امکان مقایسه بین کشورها را فراهم می‌کند و در حوزه تفاوت‌های جنسیتی نیز امکان مقایسه را بوجود می‌آورد. همچنین برای سنجش شاخص‌های توسعه انسانی در سال ۲۰۱۱ روشی جدید ارائه شده است. بر این اساس شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی است و از ۴ شاخص امید به زندگی در هنگام تولد، درآمد سرانه کشور، میانگین تعداد سال‌های تحصیل کشور و امید به تعداد سال‌های تحصیل کشور تشکیل می‌شود، که به ترتیب به شرح نمودار زیر معیارهای سلامت، سطح زندگی و آموزش را تشکیل می‌دهند.



نمودار (۱): شاخص توسعه انسانی

گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۶ که بر پایه آمار و اطلاعات مربوط به سال ۲۰۱۵ تهیه شده است نشان می‌دهد نمره ایران از نظر شاخص توسعه انسانی در این سال ۰/۷۷۴ برآورد شده است. با این حال ایران در رتبه‌بندی جهانی از نظر توسعه انسانی یک پله نزول داشته است و در حالی که ایران در سال ۲۰۱۴ در جایگاه ۶۸ جهان از نظر توسعه انسانی قرار گرفته بود در سال ۲۰۱۵ به رتبه ۶۹ نزول کرده است.

حال با توجه به مطالب بیان شده و وضعیت کشور در حوزه تفاوت‌های جنسیتی و همچنین شاخص‌های توسعه انسانی در دنیا و رتبه نامناسب ایران، میتوان گفت که در سازمان‌هایی مانند بانک مسکن به عنوان یکی از مهمترین بانک‌های کشور بویژه با فعالیت در حوزه مسکن و ... نیز نوع فعالیت زنان و اثر بخشی و کارایی آنها میتواند متأثر از وجود تفاوت‌های جنسیتی بویژه بر پایه شاخص‌های توسعه انسانی باشد و این تفاوت‌ها اثر سوء بر ایجاد توسعه در کشور دارند و بررسی این رابطه بین تفاوت‌های جنسیتی و شاخص‌های توسعه انسانی میتواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

از دیگر دلایل اهمیت و ضرورت این تحقیق که به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی محقق مطرح می‌باشد این است که با توجه به نقش حیاتی و اساسی زنان در پیشبرد اهداف توسعه در کشور و نیاز مبرم به مشارکت آنان در کنار مردان برای رسیدن به توسعه پایدار و سطوح بالای اثر بخشی فعالیت‌های سازمانی بویژه در بانک مسکن با دارا بودن نشانه‌های پررنگ در حوزه تفاوت‌های جنسیتی بین مردان و زنان از نظر مدیران و مسئولین و با توجه به ویژگی‌های ساختاری کشور در حوزه تفاوت بین زن و مرد، با تعداد ارباب رجوع بالا که عمدتاً برای خرید و دریافت وام‌های بانکی مسکن و سرمایه‌گذاری‌های مربوط به حوزه‌های مسکن مراجعه می‌کنند، بررسی اینکه شاخص‌های توسعه انسانی در کشور از جمله شاخص کیفیت زندگی، آموزش و سلامت بر این تفاوت‌های

جنسیتی تأثیر گذار هستند و در صورت تأثیر گذاری چه سهمی از ایجاد این تفاوت‌های جنسیتی را دارا می‌باشند می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

حال با توجه به مطالب بیان شده مسئله اصلی این تحقیق بررسی جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در ایران با توجه به شاخص‌های توسعه انسانی می‌باشد.

بر این اساس اهداف تحقیق بدین شرح مطرح می‌باشند:

۱. بررسی معنی داری تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان بر حسب شاخص‌های توسعه انسانی
۲. بررسی تأثیر شاخص کیفیت زندگی بر وضعیت تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در سطح کشور
۳. بررسی تأثیر شاخص آموزش بر وضعیت تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در سطح کشور
۴. بررسی تأثیر شاخص سلامت بر وضعیت تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در سطح کشور

### فرضیه‌های تحقیق نیز اینجنین مطرح اند:

#### فرضیه اصلی:

به نظر می‌رسد تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص‌های توسعه انسانی معنی دار است.

#### فرضیه‌های فرعی:

۱. به نظر می‌رسد تفاوت معناداری میان زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص کیفیت زندگی وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد تفاوت معناداری میان زنان و مردان در جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص آموزش وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد تفاوت معناداری میان زنان و مردان در جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص سلامت وجود دارد.

### چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق متغیر اصلی شاخص‌های توسعه انسانی می‌باشد که به منظور شاخص سازی و سنجش و همچنین بهره‌گیری از دانش صاحب‌نظران در این حوزه از نظریه‌های زیر استفاده شده است.

از نظر آندره میشل (۲۰۰۲) کلیشه‌های جنسیتی به خوار شمردن زنان و دختر بچه‌ها و به بزرگ داشتن مردها و پسر بچه‌ها می‌پردازند. ارزش یافتن گروه دوم توسط این کلیشه‌ها تنها از راه ارزش باختن گروه نخست ممکن است. ذهن انسان با کلیشه‌سازی به عملی دوگانه دست می‌زند. از یکسو خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان نسبت می‌دهد که در مردان نشانی از آن نیست و از سوی دیگر مردان را از ویژگی‌ها و توانایی‌هایی بهره‌مند می‌سازد که زنان از آن محرومند. در تقسیم‌بندی مبتنی بر کلیشه‌های جنسیتی دو کفه ترازو یکسان نیست. بر این اساس مردان بسیار بیش از زنان از ارزش‌های مثبت مثل شجاعت، هوش، اعتماد به نفس، شایستگی شغلی، خطرپذیری، ماجراجویی و ... بهره‌مندند و زنان به صورت افرادی بی‌بهره از این صفات، برخوردار از صفاتی «زنانه» ترسیم می‌شوند. صفات «زنانه» ای که گویا مردان فاقد آن هستند مانند توانایی تربیت کودک. (میرزا، ۱۳۸۵) بنابراین این نظر هم که مردان نه می‌توانند از فرزندان مراقبت کنند و نه به آنها محبت ورزند داوری مبتنی بر تبعیض جنسی است، زیرا که مردان نیز قادرند روابط محبت‌آمیزی با فرزندان داشته باشند و از آنان مراقبت کنند. جانت چافتش از فمینیسم‌های رادیکال نیز سیستم نابرابری جنسیتی را تحت تأثیر چند عامل و متغیر می‌داند که عبارتند از: متغیرهای جمعیتی، متغیرهای اقتصادی و متغیرهای سیاسی. همچنین از منظر سیمون دوبووار به سبب برخورد و رفتار متفاوت اطرافیان، دخترها خیلی زود دست از جست و خیزهای بچه‌گانه برمی‌دارند و رفتاری زنانه پیدا می‌کنند، در صورتیکه پسران به نوآوری، ابتکار و جست و خیز و حرکت تشویق می‌شوند.

جان استوارت میل نیز از وجود تبعیض‌های شدید دربارهٔ تحصیل و آموزش و کمبود یا نبود فرصت‌های شغلی برای زنان در جامعه گفتگو می‌کند. به اعتقاد «میل»، گسترش آموزش و در اختیار نهادن فرصت‌های شغلی برای زنان، دارای منافع و تأثیرات مهمی در جامعه است. بنابراین، «میل» با تعریف کارکردگرایی طبیعی زنان در فلسفه «ارسطو» و «روسو» که منشأ تفاوت رفتارهای زن و مرد و توانایی عقلی آنها را عاملی طبیعی می‌دانستند، مخالفت می‌ورزد و تفاوت رفتاری مرد و زن را در جوامع وابسته به نوع و کیفیت آموزشی و محیطی آنها می‌داند. «میل» برخلاف «روسو»، می‌داند که بدون شرکت زنان در سرنوشت خودشان، هیچ موفقیت و پیشرفتی برای خانواده حاصل نخواهند شد.

لوریو (۲۰۰۰) در نظریه‌هایستمگری جنسیتی نیز وضعیت زنان را به عنوان پیامد رابطه‌ی مستقیم قدرت بین مردان و زنان توصیف می‌کند، مردان در این رابطه، منافع بنیادی و ملموسی در نظارت، استفاده و ستمگری یعنی در اعمال سلطه بر زنان دارند و در برخی از ویژگی‌ها مانند آموزش بهتر نیز برخوردارند. سلطه در دیدگاه نظریه پردازان ستمگری شامل هر رابطه‌ای می‌شود که طی آن یکی از طرفین (فردی یا جمعی) به عنوان طرف مسلط، موفق می‌شود طرف دیگر (فردی یا جمعی) را زیردست خود سازد، به نحوی که طرف زیردست به منزله‌ی ابزاری برای اراده‌ی طرف مسلط درآمده و فاعلیت مستقلانه اش انکار شود. یا بالعکس از نقطه نظر طرف زیردست، سلطه رابطه‌ی است که در آن، طرف زیردست صرفاً در حکم ابزاری برای اراده‌ی طرف مسلط اهمیت پیدا می‌کند.

#### **میلردان در نظریه‌های مرتبط با شاخص‌های توسعه انسانی عنوان می‌کند شاخص توسعه انسانی شاخصی ترکیبی است برای**

سنجیدن موفقیت در هر کشور، در سه معیار پایه از توسعه انسانی: زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب. از نظر دان هدف نهایی توسعه، بهبود توانمندی‌های انسانی و گسترش انتخاب‌ها و فرصت‌های انسانی بر اساس اصل توسعه مردم، برای مردم است. در این فرایند، انسان‌ها می‌خواهند صاحب دانش بوده و زندگی شایسته‌ای را دارا باشند شاخص توسعه انسانی، شاخصی مرکب و مشتمل بر سه شاخص اصلی امید به زندگی، سطح آموزشی و درآمد سرانه است.

- امید به زندگی در بدو تولد: این شاخص که بیانگر طول عمر است، تعداد سال‌های مورد انتظار هر فرد برای زندگی در بدو تولد را نشان می‌دهد. - دانش: شاخص مذکور دستاورد نسبی هر کشور در زمینه باسوادی و تحصیلات را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر شاخص دانش، ترکیبی از دو شاخص نرخ باسوادی بزرگسالان و نسبت ترکیبی خام ثبت نام در مدارس ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی است. برای محاسبه شاخص دانش به نرخ باسوادی بزرگسالان (افراد ۱۵ سال به بالا) ضریب دو سوم و به نرخ خام ثبت نام در مدارس ضریب یک سوم داده می‌شود و از جمع آنها شاخص مورد نظر حاصل می‌گردد.

- سرانه تولید ناخالص داخلی: شاخص مورد نظر معرف سطح زندگی افراد یک کشور یا منطقه بوده و از طریق نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت، به دست می‌آید.

همچنین محبوب‌الحق (اقتصاد دان پاکستانی) با استفاده از مفاهیم و روش‌های تعریف شده توسط آمارتیا سن، استاد هندی دانشگاه هاروارد و برندهٔ جایزهٔ نوبل در اقتصاد و با بودجه سازمان ملل متحد شاخص‌های زیر را برای توسعه انسانی عنوان می‌کند:

شاخص فقر درآمدی و انسانی، روندهای جمعیتی، تعهد به سلامت، آب و فاضلاب و وضعیت تغذیه، نابرابری در سلامت کودکان، بحران‌ها و مخاطرات مربوط به سلامت، حداقل حیات، تعهد به آموزش، مخارج عمومی، سواد و ثبت نام در مدارس، پخش و تولید تکنولوژی، کارایی اقتصادی، نابرابری در درآمد و مخارج، ساختار مبادلات بین‌المللی، جریان کمک‌های بین‌المللی، انرژی و محیط زیست، انتشار دی اکسید کربن، وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی در مورد محیط زیست، مهاجرت، جرم و جنایت و نظام قضایی، نابرابری‌های جنسیتی در آموزش، نابرابری جنسیتی در فعالیت‌های اقتصادی، جنسیت، کار و تخصیص زمانی،

مشارکت سیاسی زنان، وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق کارگران.

بر اساس آنچه در این تحقیق در خصوص شاخص‌های توسعه انسانی و تبعض بین زنان و مردان عنوان شد سه شاخص عمده (سلامت - کیفیت زندگی و آموزش) را به عنوان شاخصهای اصلی توسعه انسانی در نظر می‌گیریم.

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - تبیینی بوده و به لحاظ مداخله داده‌ها از انواع تحقیقات کمی می‌باشد. نوع روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی می‌باشد. در تعریف پیمایش می‌توان عنوان نمود که: پیمایش، نوعی روش در تحقیق اجتماعی است که مشخصه اصلی آن ارائه مجموعه ساختمان و منظمی از داده‌هاست. پرسشنامه، ساده‌ترین و رایج‌ترین تکنیک مورد استفاده در این نوع تحقیق است (دواس، ۱۳۸۸: ۱۲). بنابراین در این تحقیق اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه برای آزمون فرضیه و پاسخ به سئوالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مطالعه گردآوری گردیده و چگونگی وضع موجود تعیین و گزارش شده است. در این تحقیق کارکنان بانک مسکن در سراسر کشور به عنوان جامعه آماری تحقیق مدنظر می‌باشند. که با توجه به آمار اخذ شده از مدیریت منابع انسانی بانک مسکن تعداد کارکنان حدود ۱۲۳۰۰ نفر می‌باشند و برای تعیین حجم نمونه جامعه آماری مورد نظر از فرمول «کوکران»<sup>۱</sup> استفاده شده است. که بر این اساس تعداد حجم نمونه ۳۷۲ نفر می‌باشد.

و از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده متناسب با حجم با نسبت نمونه یک پنجم استفاده شده است. در این تحقیق ابتدا کشور را بر حسب استان‌ها (۳۱ استان) تقسیم بنده نموده و سپس متناسب با حجم نمونه تعداد ۳۷۲ نفر از کارکنان بر حسب تعداد کل کارکنان شاغل در بانک‌های مسکن هر استان به عنوان نمونه انتخاب گردیدند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آماره‌های توصیفی (جداول فراوانی، نمودارهای فراوانی، شاخص‌های مرکزی و ...) و آماره‌های استنباطی بمنظور آزمون فرضیه‌ها و بررسی میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته از جمله (آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرها و آزمون t مستقل دو نمونه ای برای تفاوت بین دو گروه زنان و مردان در متغیر تفاوت‌های جنسیتی) انجام پذیرفت.

در این پژوهش از «اعتبار صوری» پرسشنامه استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری، شناسایی اعتبار شاخص‌ها از طریق مراجعه به داوران است. به همین منظور سعی گردید برای سنجش متغیرها از گویه‌هایی استفاده شود که اساتید مجرب بر آنها تأکید دارند. لذا بعد از تنظیم پرسشنامه، به رؤیت این اساتید و متخصصان مربوط رسانده و رفع اشکال گردید و قبل از گردآوری داده‌ها، به منظور اطمینان از پایایی پرسشنامه، پیش‌آزمون (pretest) روی ۱/۱۰ جامعه آماری که ۳۲ نفر هستند انجام گرفت. میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۷۱۴ است که نشان دهنده اعتبار پرسشنامه و بالا بودن همسازي و پایداری درونی گویه‌ها می‌باشد.

جدول (۱): پایایی پرسشنامه

شرح	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
پرسشنامه شاخص‌های توسعه انسانی	۵۲	۰/۷۱۴
آلفای کرونباخ پرسشنامه		

### یافته‌های تحقیق

جدول زیر شاخص‌های توصیفی داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه را در بین مردان و زنان به تفکیک نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup> cochran

جدول (۲): شاخص‌های توصیفی مربوط به داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه

کارکنان (گروه)	متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره‌ها
مردان (شاخص‌های توسعه انسانی)	کیفیت زندگی	۱۸۲	۴.۲۲۴۷	۱.۵۶۹۸۷	
	آموزش	۱۸۲	۴.۱۹۶۵	۱.۱۲۴۶۳	
	سلامت	۱۸۲	۴.۸۱۲۴	۱.۸۹۵۶۳	
زنان (شاخص‌های توسعه انسانی)	کیفیت زندگی	۱۹۰	۳.۵۵۴۰	۱.۵۴۵۳۲	
	آموزش	۱۹۰	۳.۳۴۵۷	۱.۰۲۱۴۵	
	سلامت	۱۹۰	۴.۰۲۱۳	۱.۲۱۴۵۷	

همان‌طور که مشاهده می‌شود مردان در میانگین کلیه شاخص‌های توسعه انسانی که شامل شاخص‌های کیفیت زندگی و شاخص سلامت و شاخص آموزش است از وضعیت بهتری نسبت به زنان جامعه مطالعاتی برخوردارند. در این تحقیق ۳ فرضیه فرعی و یک فرضیه اصلی به شرح زیر مطرح گردیده اند که در نتیجه آزمون فرضیه‌ها نتایج به شرح زیر به دست آمده است. فرضیه اول بدین شرح مطرح شده است: به نظر می‌رسد تفاوت معناداری میان زنان و مردان در جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص کیفیت زندگی وجود دارد.

جدول (۳): آمار گروه‌ها

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف از استاندارد	انحراف از میانگین
کیفیت زندگی	مردان	۴/۲۲	۱/۲۵۴	۰/۴۷۴
	زنان	۳/۵۵	۱/۵۰۶	۰/۶۱۵

جدول (۴): آزمون t مستقل دو نمونه ای

آزمون t برای معیارهای برابر بودن					تست Levene برای برابری واریانس		F	سطح معنی‌داری	واریانس فرض شده برابر	کیفیت زندگی	
فاصله اطمینان با ۹۵٪ اختلاف	انحراف از استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری (2-tailed)	Df	t	F					واریانس فرض شده نا برابر
۲۲/۰۶۳	۳/۷۶۴۴۲	۲۹/۳۸۱	۰/۰۰۰	۳۷۰	۳/۴۹۸	۱۳/۴۴۱	۰/۰۰۳	واریانس فرض شده برابر	کیفیت زندگی		
۱۹/۱۱۴	۲/۷۷۶۱۲	۲۹/۳۸۱	۰/۰۰۰	۳۷۱	۴/۴۹۱			واریانس فرض شده نا برابر			

نتایج آزمون t در بین کارکنان زن و مرد ( $t=3/498$  و  $sig = 0.000$ ) نشان می‌دهد که دو گروه به لحاظ شاخص‌های کیفیت زندگی با همدیگر تفاوت معنی‌داری دارند و با سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد میانگین شاخص‌های کیفیت زندگی دو گروه مشابه نیست. بنابراین فرضیه تحقیق تایید می‌گردد. در نتیجه تفاوت معناداری میان زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص کیفیت زندگی وجود دارد.

این نتیجه همسو با نظریه شولامیت فایرستون (۱۹۹۸)، نظریه میلر دان (۲۰۰۲)، دوبویس (۲۰۰۲)، جسی برنارد (۱۹۹۰) و یانگ (۱۹۸۷) ارائه شده در چارچوب نظری می‌باشد. و با بررسی به عمل آمده نتیجه به دست آمده در پژوهش نیسی و جوانمردی (۱۳۹۱)، شفیعی و پورباقر (۱۳۹۳) و برزینا (۲۰۱۰) نیز به دست آمده است.

**فرضیه دوم بدین شرح مطرح شده است:** به نظر می‌رسد تفاوت معناداری میان زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص آموزش وجود دارد.

جدول (۵): آمار گروه‌ها

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف از استاندارد	انحراف از میانگین
مردان	۱۸۲	۴/۱۹	۲/۱۱۴	۰/۹۰۱
زنان	۱۹۰	۳/۳۴	۲/۶۰۸	۱/۱۰۳

جدول (۶): آزمون t مستقل دو نمونه ای

آزمون t برای معیارهای برابر بودن					تست Levene برای برابری واریانس				
فاصله اطمینان با %۹۵ اختلاف	انحراف از استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری (2-tailed)	Df	t	سطح معنی‌داری	F		
								بالا	پایین
۱۷/۷۴۵	۷/۰۵۶	۳۳/۲۸۶	۰/۰۰۱	۳۷۰	۴/۷۱۷	۰/۰۱۸	۷/۷۴۷	واریانس فرض شده برابر	آموزش
۱۳/۵۵۶	۷/۳۷۴	۳۳/۲۸۶	۰/۰۰۷	۳۷۱	۴/۳۳۷			واریانس فرض شده نا برابر	

نتایج آزمون t بین کارکنان زن و مرد ( $t=4/717$  و  $sig = 0.001$ ) نشان می‌دهد که دو گروه به لحاظ شاخص آموزش با همدیگر تفاوت معنی‌داری دارند و با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد میانگین شاخص آموزش دو گروه مشابه نیست. بنابراین فرضیه H0 رد و فرضیه تحقیق تایید می‌گردد. در نتیجه تفاوت معناداری میان زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص آموزش وجود دارد. این نتیجه همسو با نظریه شولامیت فایرستون (۱۹۹۸)، لوربو (۲۰۰۰)، جسی برنارد (۱۹۹۰) و یانگ (۱۹۸۷) ارائه شده در چارچوب نظری می‌باشد. و با بررسی به عمل آمده نتیجه به دست آمده در پژوهش شفیع و پورباقر (۱۳۹۳)، نیسی و جوانمردی (۱۳۹۱)، آماتو و بوث (۲۰۰۹) به دست آمده است.

**فرضیه سوم بدین شرح مطرح شده است:** به نظر می‌رسد تفاوت معناداری میان زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص سلامت وجود دارد.

جدول (۷): آمار گروه‌ها

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف از استاندارد	انحراف از میانگین
مردان	۱۸۲	۴/۸۱	۱/۷۷۶	۱/۲۳۵
زنان	۱۹۰	۴/۰۲	۱/۶۸۵	۱/۳۱۴

جدول (۸): آزمون t مستقل دو نمونه ای

آزمون t برای معیارهای برابر بودن					تست Levene برای برابری واریانس				
فاصله اطمینان با %۹۵ اختلاف	انحراف از استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری (2-tailed)	Df	t	سطح معنی‌داری	F		
								بالا	پایین
۱۶/۸۸۵	۷/۱۴۷	۳۰/۵۶۵	۰/۰۰۲	۳۷۰	۴/۴۵۶	۰/۰۲۳	۸/۲۳۵	واریانس فرض شده برابر	سلامت
۱۴/۱۳۸	۷/۴۴۷	۳۱/۵۵۲	۰/۰۰۴	۳۷۱	۴/۲۲۳			واریانس فرض شده نا برابر	



نتایج آزمون t بین کارکنان زن و مرد ( $t=4/456$  و  $sig = 0.002$ ) نشان می‌دهد که دو گروه به لحاظ شاخص سلامت با همدیگر تفاوت معنی داری دارند و با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد میانگین شاخص سلامت دو گروه مشابه نیست. بنابراین فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه تحقیق تایید می‌گردد. در نتیجه تفاوت معناداری میان زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص سلامت وجود دارد. این نتیجه همسو با نظریه شولامیت فایرستون (۱۹۹۸)، دوبویس (۲۰۰۲)، جسی برنارد (۱۹۹۰) و یانگ (۱۹۸۷) ارائه شده در چارچوب نظری می‌باشد. و با بررسی به عمل آمده نتیجه به دست آمده در پژوهش شفیع و پورباقر (۱۳۹۳)، نیسی و جوانمردی (۱۳۹۱) و تام (۲۰۱۱) نیز به دست آمده است.

**فرضیه اصلی:** به نظر می‌رسد تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص‌های توسعه انسانی معنی دار است.

جدول (۹): آمار گروه‌ها

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف از استاندارد	انحراف از میانگین
تفاوت‌های جنسیتی	مردان	۱۸۲	۴/۴۰	۱/۵۴۶
	زنان	۱۹۰	۳/۶۳	۱/۴۴۷

جدول (۱۰): آزمون t مستقل دو نمونه ای

آزمون t برای معیارهای برابر بودن					تست Levene برای برابری واریانس		F	سطح معنی داری	تفاوت‌های جنسیتی
فاصله اطمینان با ۹۵٪ اختلاف	انحراف از استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی داری (2-tailed)	Df	t	F			
بالا	پایین								
۱۷/۴۶۹	-۴۲/۱۱۱	۵/۱۲۷	۳۶/۱۴۸	۰/۰۰۰	۳۷۰	۴/۸۸۹	۰/۰۰۳	۷/۹۸۵	واریانس فرض شده برابر
۱۷/۳۳۶	-۴۷/۳۵۶	۵/۲۳۵	۳۵/۶۶۹	۰/۰۰۰	۳۷۱	۴/۳۵۶			واریانس فرض شده نابرابر

نتایج آزمون t بین کارکنان زن و مرد ( $t=4/889$  و  $sig = 0.000$ ) نشان می‌دهد که دو گروه به لحاظ تفاوت‌های جنسیتی با همدیگر تفاوت معنی داری دارند و با سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد میانگین تفاوت‌های جنسیتی دو گروه مشابه نیست. بنابراین فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه تحقیق تایید می‌گردد. در نتیجه تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص‌های توسعه انسانی معنی دار است.

این نتیجه همسو با نظریه جسی برنارد (۱۹۹۰)، یانگ (۱۹۸۷)، شولامیت فایرستون (۱۹۹۸)، دوبویس (۲۰۰۲) و لوربو (۲۰۰۰) ارائه شده در چارچوب نظری می‌باشد. و با بررسی به عمل آمده نتیجه به دست آمده در پژوهش نیسی و جوانمردی (۱۳۹۱)، شفیع و پورباقر (۱۳۹۳)، ریکتا و دیک (۲۰۱۴) و گرانستین (۲۰۰۷) نیز به دست آمده است.

## نتایج و پیشنهادات تحقیق

این تحقیق با هدف بررسی جامعه شناختی تفاوت‌های جنسیتی در ایران با توجه به شاخص‌های توسعه انسانی انجام پذیرفت. نگاهی به تاریخ تمدن و فرهنگ جوامع بشری نشان می‌دهد که نابرابری همواره واقعییتی توجیه‌ناپذیر بوده است. در میان نابرابری‌ها، نابرابری میان زن و مرد از جمله مواردی است که در طول تاریخ بشر به طور مستمر مطرح بوده است. تفاوت‌های اجتماعی از قبیل شیوه زندگی و فرصت‌ها و امتیازهایی که جامعه برای افراد قائل می‌شود، موجب پیدایش نابرابری‌اند. در مورد وجود نابرابری، نظریات متعددی وجود دارند. به دلایل تاریخی و ساختاری، تقریباً در تمامی جوامع بشری نوعی روابط نابرابر و تبعیض آمیز از

لحاظ جنسیت وجود دارد که بر اساس آن عمدتاً زنان، در مراتب و سطوح اجتماعی، اقتصادی و رفاهی پایین‌تری نسبت به مردان قرار داشته‌اند. نابرابری‌ها و تفاوت‌هایی که کاملاً غیر طبیعی به نظر می‌رسد و ناشی از الگوهای فرهنگی و ناهنجاری‌های اجتماعی بوده است. همچنین اندیشهٔ تفاوت بین زن و مرد یکی از مسائلی است که همواره با بشر همراه بوده است، از این رو بررسی نقش جنسیت در قبول مسؤلیت‌ها و ایفای نقش هر یک از جنسیت‌ها در جامعه همیشه یکی از مسائل بحث‌برانگیز در جامعه بوده است. همانطور که پیشتر نیز عنوان شد تبعیض جنسی، یعنی اعمال و رفتار، پیشدواری‌ها و ایدئولوژی‌هایی که زنان را فرودست‌تر و کم‌ارزش‌تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می‌دانند، هنوز نیز در ردیف بدترین مصیبت‌هایی هستند که مایهٔ درد و رنج و محرومیت بشر می‌شوند، زیرا که از یک سو، زنان از این وضعیت عذاب می‌کشند و از سوی دیگر تمام جوامع ذخیره‌ای عظیم از توانایی‌های فکری و انسانی را که نادیده گرفته شده یا تحقیر گشته‌اند، از دست می‌دهند. تبعیض جنسیتی، ریشه در عواملی دارد که در فرهنگ خلاصه می‌شوند. این امر ریشه زیستی ندارد بلکه اجتماعی - فرهنگی است و حاصل تعامل کارگزاران اجتماعی است. و حتی در بسیاری از مشاغل در و در بین همکاران نیز این تبعیض‌های جنسیتی دیده می‌شود. این تبعیض تاحدودی با تفاوت‌های جنسیتی متفاوت بوده و تفاوت‌ها به ساختار بدنی و ویژگی‌های شخصیتی نیز مرتبط است. بیشتر این تفاوت‌ها و تغییر اعمال و رفتار مردم در مواجهه با دو جنس زن و مرد ریشه در جامعه‌پذیری افراد دارد. اگر جامعه‌پذیری را به معنای «فرآیند آماده‌سازی افراد جهت پذیرش نقش در آینده» بپذیریم، باید در این فرآیند زنان و دختران به توانایی‌هایشان واقف شوند و با آگاهی از این توانایی‌های بالقوه جهت رشد و توسعه و به عمل درآوردن آن بکوشند، زیرا در فرآیند جامعه‌پذیری است که فرد خود را در آینده قضاوت دیگران می‌بیند و می‌شناسد و چنانچه این قضاوتها منفی باشد طبیعی است که فرد نیز خود را ضعیف و ناتوان می‌پندارد. همواره دختران تمایل زیادی به کسب موفقیت و داشتن استقلال دارند و همین تمایل دست‌یابی آنان را به هویت مستقل و موفق تسهیل می‌کند. دختران و پسران نشان داده‌اند که در ابعاد استقلال، ارتباط مثبت با دیگران هدف‌مندی در زندگی و پذیرش خود تفاوتی با هم ندارند و هر دو نیازمند تقویت محیطی برای دست‌یابی به هویت منسجم هستند. دختران و پسران در فرآیند جامعه‌پذیری جهت پذیرش نقش‌های اجتماعی آینده خود آماد می‌شوند. بنابراین اعمال کلیشه‌های تبعیض جنسی مانع از بروز توانمندی‌ها و خلاقیت‌های دو جنس می‌شود و نقش تفاوت‌های جنسیتی را در جامعه و در اعمال و رفتار دیگران نسبت به فرد بیشتر می‌کند.

همانطور که بیان شد امروزه یکی از مباحث مهم نابرابریها، مسئله نابرابری جنسی است که در سطوح مختلف جهانی مورد بررسی و بحث است، زیرا مشخص شده که زنان به دلیل جنسیت خود از پیشرفتهای اجتماعی دور نگه داشته می‌شوند. برای حل این نابرابریها نیز قوانینی تدوین می‌شوند. اما گذشته از تدوین قوانین حمایتی جوامع باید به شرایط زندگی خانوادگی نیز توجه داشت. همچنین در اثر جامعه‌پذیری نقش جنسیتی که در خانواده رخ می‌دهد. دختر و پسر هر یک با هنجارهای جنسیتی - هنجارهای زنانه یا مردانه - اجتماعی می‌شوند از آنجا که بسیاری از این هنجارها از گذشته به میراث رسیده‌اند در جامعه فعلی اهمیت چندانی ندارند. امروزه در جامعه ایران نیز باید به جامعه‌پذیری «دو جنسیتی» توجه شود یعنی تفکیک نقشهای جنسیتی وجود نداشته و هر فردی چه دختر چه پسر بتواند دارای نقشهای «مردانه» یا «زنانه» باشد. هر دو جنس زن و مرد، اجازه داشته باشند که بدون توجه به الگوهای جنسیتی بر اساس شخصیت ویژه خود و نه بر اساس جنس خود، هر نوع رفتاری را که دوست دارند انتخاب کنند و رفتارهای مناسب خود را پیدا کنند.

آنچه که مسلم است در ایران امروز شاهد تغییرات زیادی در رفتارهای وابسته به جنسیت هستیم، به ویژه از دو دههٔ پیش تاکنون که جامعه، شاهد حضور فراگیر زنان در موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده است. حضور روزافزون زنان در دستگاه‌های اجرایی و بازار اشتغال و موفقیت چشمگیر آنان در آزمون دانشگاه‌ها، تصویری متفاوت از جامعهٔ ایران به دست داده است و به نظر می‌رسد روند تحولات اجتماعی همچنان به سمت توسعهٔ نقش زنان پیش می‌رود تمامی اندیشمندان توسعه برای این موضوع که مهم‌ترین پیش‌نیاز توسعه مشارکت همهٔ انسان‌هاست، توافق نظر دارند. منظور از توسعه، تعالی انسانهاست و در تعالی انسانها همهٔ ابعاد

سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ملحوظ شده است. مطمئناً جامعه‌ای که می‌خواهد به توسعه دست یابد، به جای اینکه صرفاً به عوامل مادی متکی باشد باید در جهت تعالی انسانها و کاهش نابرابری‌ها بکوشد، نابرابری‌هایی در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نابرابری‌هایی که معیار آن جنسیت انسانهاست. در کشور ما تجربه نیم قرن تجربه برنامه‌ریزی و تحول در دیدگاهها و استراتژی‌های توسعه نشان داده است که کاهش نابرابری‌ها در درآمد و مصرف و کاهش نابرابری‌ها در ابعاد سیاسی و اجتماعی با هدف افزایش مشارکت داوطلبانه همه انسانها چه زن و چه مرد یک ضرورت بوده و انگیزه نیرومندی در فرآیند توسعه محسوب می‌گردد. ولی متأسفانه هنوز یکی از نابرابری‌های تکان‌دهنده در توسعه انسانی تفاوت‌ها بر اساس جنسیت می‌باشد. در کشور ایران در بسیاری از سطوح اجتماعی تبعیض جنسیتی با مکانیسم‌های مختلف توسعه انسانی (امید به زندگی، درآمد، آموزش و ...) در حد بالایی قرار دارد. که در این پژوهش نیز مشخص گردید که هنوز تفاوت‌های جنسیتی در بین زنان و مردان بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی (شاخصی مرکب از نشانگرهایی که سه بعد را ارائه می‌دهند: طول عمر (امید به زندگی در بدو تولد)، آگاهی (میزان باسوادی بالغین و متوسط سال‌های تحصیل) و درآمد (سرانه درآمد ناخالص داخلی واقعی در قدرت خرید - به دلار)) وجود دارد. در نهایت بر اساس نتایج این تحقیق تفاوت معناداری بین شاخص‌های سلامت و شاخص‌های آموزش و شاخص کیفیت زندگی به عنوان سه شاخص مهم در توسعه انسانی وجود دارد و مردان به لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی در وضعیت بهتری نسبت به زنان قرار دارند. در نتیجه بررسی‌های به عمل آمده مشخص گردید میانگین کسب شده مردان در شاخص‌های کیفیت زندگی (۴/۲۲) بیشتر از میانگین کسب شده زنان در شاخص‌های کیفیت زندگی (۳/۵۵) بوده که نشان دهنده برخورداری مردان از کیفیت بالاتری در زندگی است. در نتیجه آزمون ( $t=3/498$  و  $sig = 0.000$ ) نیز تفاوت معناداری میان زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص کیفیت زندگی وجود داشت. همچنین میانگین کسب شده مردان در شاخص‌های آموزش (۴/۱۹) بیشتر از میانگین کسب شده زنان در شاخص‌های آموزش (۳/۳۴) بوده که نشان دهنده برخورداری مردان از کیفیت بالاتری در آموزش است. در نتیجه آزمون ( $t=4/717$  و  $sig = 0.001$ ) تفاوت معناداری میان زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص آموزش وجود دارد. و میانگین کسب شده مردان در شاخص‌های سلامت (۴/۸۱) بیشتر از میانگین کسب شده زنان در شاخص‌های سلامت (۴/۰۲) بوده که نشان دهنده برخورداری مردان از کیفیت بالاتری در آموزش است. در نتیجه آزمون ( $t=4/456$  و  $sig = 0.002$ ) تفاوت معناداری میان زنان و مردان جامعه مطالعاتی بر حسب شاخص سلامت وجود دارد و در مجموع میانگین کسب شده مردان در تفاوت‌های جنسیتی (۴/۴۰) بیشتر از میانگین کسب شده زنان در شاخص‌های سلامت (۳/۶۳) بوده که نشان دهنده برخورداری مردان از تفاوت‌های جنسیتی کمتری است. در نتیجه آزمون ( $t=4/889$  و  $sig = 0.000$ ) تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان بر حسب شاخص‌های توسعه انسانی معنی دار است. این مسئله یعنی وجود تفاوت‌های جنسیتی در شاخص‌های توسعه انسانی در بین زنان و مردان جامعه مطالعاتی به عنوان یکی از مهمترین بانک‌های کشور میتواند بر اثر بخشی و کارایی زنان تاثیرات منفی و سوء ی گذاشته و در سطح کلان توسعه انسانی را در کشور تحت شعاع قرار دهد. و با توجه به نقش حیاتی و اساسی زنان در پیشبرد اهداف توسعه در کشور و نیاز مبرم به مشارکت آنان در کنار مردان برای رسیدن به توسعه پایدار و سطوح بالای اثر بخشی فعالیت‌های سازمانی با دارا بودن نشانه‌های پررنگ در حوزه تفاوت‌های جنسیتی بین مردان و زنان از نظر مدیران و مسئولین و با توجه به ویژگی‌های ساختاری کشور در حوزه تفاوت بین زن و مرد، باید تلاش‌های فراوانی برای رفع زمینه‌های این تفاوت در سطوح توسعه انسانی انجام گیرد.

### پیشنهاد‌های تحقیق

پیشنهاد‌های زیر بر اساس یافته‌های تحقیق به دست اندرکاران و برنامه ریزان در سازمانهای مختلف کشور به طور کلی ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به وجود تفاوت در شاخص‌های توسعه انسانی (کیفیت آموزش) در بین زنان و مردان پیشنهاد می‌گردد سازمان‌ها نسبت به در نظر گرفتن آموزش‌های کاری یکسان برای کارکنان زن و مرد و با کیفیت برابر اقدام نماید تا زمینه‌های کاهش تفاوت‌های جنسیتی را ایجاد کند.
۲. با توجه به وجود تفاوت در شاخص‌های توسعه انسانی (سلامت) در بین زنان و مردان پیشنهاد می‌گردد سازمان‌ها نسبت به انجام اقدامات اساسی به منظور ارتقاء وضعیت سلامت کارکنان زن بویژه بررسی‌های دوره‌ای وضعیت سلامت جسمی و روحی و افزایش بهداشت محل کار و خدمت آنها اقدام نماید.
۳. با توجه به وجود تفاوت در شاخص‌های توسعه انسانی (کیفیت زندگی) در بین زنان و مردان پیشنهاد می‌گردد سازمان‌ها نسبت به ارائه وام‌ها و امتیازات بیشتر به کارکنان زن و همچنین انتساب آنها در مشاغل بهتر و پاسخگویی سریع به نیازهای آنها برای کاهش زمینه‌های تفاوت‌های جنسیتی اقدام نماید.
۴. تمهیدات لازم در کشور برای ارتقاء شغلی زنان و همچنین ارائه امتیازات برابر به زنان و مردان و ایجاد شرایط یکسان در دریافت حقوق و مزایای برای آنها اندیشیده شود تا زمینه‌های نابرابری جنسی کاهش یابد.
۵. کارگاه‌های آموزشی در راستای توجیه مسوولان برای کاهش تبعیض جنسیتی بین زنان و مردان برگزار گردد.
۶. همایش سالیانه با عنوان تبعیض جنسیتی برای ارائه مطالب علمی و دستاوردهای تحقیقات در این زمینه برگزار گردد.
۷. نتایج تحقیق در اختیار برنامه ریزان و مدیران در کشور به منظور بهره برداری برای کاهش زمینه‌های تفاوت جنسیتی قرار گیرد.

## منابع

- آبرکرامی، هیل و دیگران (۱۳۹۵)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، چاپ سوم، تهران، چاپخس.
- بهنام، جمشید (۱۳۹۴)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، چاپ پنجم، نشر فرزاد روز
- تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۹۲)، «بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران»، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۹ و ۲۰.
- جاراللهی، عذرا (۱۳۷۲). «تاریخچه اشتغال زن در ایران» فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۷۲ - ۱۳۷۱، شماره ۳ و ۴.
- حمزه‌ای، محمد رضا، پاپ زن، عبدالحمید، شریفی، محمد امین (۱۳۸۹)، تعیین تفاوت‌های جنسیتی در گرایش به گروه‌های مرجع، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۸ شماره ۴.
- خزایی، نگار (۱۳۹۴)، تفاوت‌های جنسیتی و مقایسه وضعیت اقتصادی-اجتماعی زنان و مردان، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم تحقیقات، راهنمادکتر وثوق، کتابخانه دانشگده ادبیات و علوم انسانی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۵)، آناتومی جامعه، تهران، چاپ پنجم، سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- دواس، دی ای (۱۳۹۰). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، مترجم: هوشنگ ناییبی، چاپ دهم، تهران، نشر نی
- سفیری، خدیجه (۱۳۹۲)، «جامعه‌شناسی اشتغال زنان»، تهران: انتشارات تیان.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۳). «توسعه به مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر، تهران: نشر کویر.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۷)، کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی.
- شفرز، برنهار (۱۳۸۳)، توسعه انسانی، کرامت الله راسخ، تهران، نشر نی.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۹۴). «توسعه و چالش‌های زنان ایران»، چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- عراقی، عزت‌الله (۱۳۸۹). «حقوق بین‌المللی کار»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی لویه (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی»، تهران: انتشارات آگرا و انتشارات لویه.
- فیدر، اسلون (۱۳۹۳). «بار سنگین زنان شاغل»، ترجمه‌مینا اعظامی، تهران: نشر البرز.
- کار، مهرانگیز (۱۳۹۴). «زنان در بازار کار ایران»، چاپ سوم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۹)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- کوزر، لوئیس، روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گرت، استفانی ۱۳۸۰. «جامعه‌شناسی جنسیت»، ترجمه‌کتایون بقایی، چاپ اول، تهران: نشر دیگر.
- لابن، ژان (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی فقر، ترجمه جمشید بهنام، تهران، چاپ ششم، انتشارات خوارزمی.

#### منابع انگلیسی

- Allen, Sheila; Barker, Diana, L. 1976. "The Interdependence of work and Marriage", in *Dependence and Exploitation in Work and Marriage*, Longmans, Newyork.
- Barron, R. D; Norris, G.M. 1976. "Sexual Divisions and The Dual Labor Market", *Dependence and Exploitation in work and Marriage*, ed. Diana, L. Barker, Longmans, Newyork.
- Bernards, Jon. 1997. *Family Studies: an Introduction*, London, Newyork, Routledge.
- Calhoun, Craig; Light, Donald; keller, Suzanne. 1994. *Sociology*, Sixth edition, Mac Graw. Hill, U.S.A.
- Farmer, Mary. 1973. *the Family*, Harlow, Longmans.
- Green Stein, Theodore, N. 1996. "Husbands Participation in Domestic Labor: Interactive Effects of wives and Husbands Gender Ideologies", in *Journal of Marriage and the family*, Vol. 58, No. 3.
- Landis, Judson, R. 1998. *Sociology: Concept and characteristics*, Wadsworth Pub.co.
- Leivl Fsrud, Hakon; Wood Ward, Alison. 1995. "Woman at class cross roads: Repudiating Conventional Theories of Family class", in *Human Societies*, ed: Antony Giddens, Polity Press.
- Orloff, A. 2002. *Women,s Employment and Welfare Regimes, Globalization, Export Orientation and Social Policy in Europe and North America*, United Nations Research Institute for Social Development.
- Razavi, sh. 2002. *Globalization, Employment and Women,s Employment*, available at [www.un.org/womenwatch/daw/csw/empower/documents/razavi-BP.pdf](http://www.un.org/womenwatch/daw/csw/empower/documents/razavi-BP.pdf).
- Signorella, M. L., Bigler, R.S. 1993. *Development differences in children's gender schemata about others: A meta-analytic review*. 13.